

مستندات قرآنی در رد پلورالیسم دینی

نظریه پرداز پلورالیسم دینی، در سفر به ایران با تعجب تبلیغ این بحث در جامعه ایران، گفته بود این نظریه اصلاً برای ایران نیست؛ چراکه زندگی مسالمت آمیز میان پیروان ادیان و فرق اسلامی وجود دارد.



نظریه پرداز پلورالیسم دینی، در سفر به ایران با تعجب تبلیغ این بحث در جامعه ایران، گفته بود این نظریه اصلاً برای ایران نیست؛ چراکه زندگی مسالمت آمیز میان پیروان ادیان و فرق اسلامی وجود دارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، رهبر انقلاب در دیدار مسئولان نظام و مهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، با اشاره به اینکه اسلام، پلورالیسم را رد می کند، چنین فرمودند: «آنهایی که ترویج می کنند که «اسلام چون از حضرت موسی و حضرت عیسی تجلیل کرده است، قائل به پلورالیسم است» به قرآن مراجعه کنند، متون اسلامی را ملاحظه کنند؛ از روی بی اطلاعی و از روی غفلت، یک مطلبی را ذکر می کنند. اسلام این است: *فَإِنِ ءَامَتُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنَتْمْ بِهِ فَقَدْ أَهْتَدُوا وَ إِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ*». در یادداشت زیر تلاش شده است تا مستندات قرآنی در رد نظریه پلورالیسم آورده شود.

منقول است نظریه پرداز پلورالیسم دینی، یعنی پرفسور جان هیک، در سفر به ایران با تعجب از اینکه چرا چنین بحثی در جامعه ایران تبلیغ شده است، گفته بود که این نظریه اصلاً برای جغرافیای ایران نیست؛ چراکه زندگی مسالمت آمیز میان پیروان ادیان و فرق اسلامی وجود دارد و اکثریت جامعه ایران نیز دارای یک دین و آیین واحد هستند. این نظریه من برای جامعه ای است که در آن تنوع دینی وجود دارد و یک دین، در کثرت نیست.

در جایی دیگر، جان هیک بیان کرده است در محل زندگی او، پیروان ادیان متعددی وجود داشته اند و برای او این مسئله بسیار سخت بود که آنان را یک سره به جرم اینکه مسیحی نیستند، به کلیسا رفت و آمد ندارند و غسل تعمید انجام ن داده اند، جهنمی بدانند. به همین دلیل، وی نظریه پلورالیسم را شرح و بسط داد. حال آنکه چنین موضوعی در جامعه اسلامی-ایرانی ما، محلی از اعراب ندارد.

از همین روی، می توان حدس زد که طیف موسوم به روشن فکران دینی جامعه ما، بدون توجه به دغدغه های جامعه خود، منفعلانه قصد الهام گیری از مسیحیت غرب برای الگوبرداری از آن جامعه را داشته و دارند که در ادامه به تفصیل به آن اشاره خواهد شد.

کثرت ادیان

مواجهه با ادیان متعدد و بحث های حقانیت و زندگی مسالمت آمیز میان پیروان ادیان، گرچه محصول قرن بیستم نیست، اما نوع نگاهی که به کثرت ادیان در عصر حاضر می شود با نوع نگاهی که در گذشته می شد، تفاوت های متعددی دارد. آنچه اکنون در مواجهه با کثرت ادیان مطرح می شود، محصول دنیای غرب مدرن و الهیات مسیحی است. مبتنی بر انگاره های مدرنیته و الهیات مسیحی، در مواجهه با کثرت و تعدد ادیان، چهار رهیافت وجود دارد:

۱. طبیعت گرایی دینی: دیدگاهی است که تمام باورهای دینی و ادیان را برخاسته از تاریخ و فرهنگ آن جامعه می داند، نه امری متعالی و قدسی. فلذا با تعدد فرهنگ و تاریخ، ادیان هم متعدد می شوند.
۲. انحصارگرایی دینی: محصول کلیسای کاتولیکی بود، نجات را منحصر در کلیسا می دانست و معتقد بود که در بیرون از قلمرو کلیسا، نجات و رستگاری وجود ندارد.
۳. شمول گرایی دینی: ایده «مسیحیان گمنام»^۳ را مطرح کرد و معتقد بر حقانیت مسیحیت است و برای غیرمسیحیان امکان دستیابی به فیض^۴ بدون اینکه به طور کامل از ماهیت آن آگاه باشند.
۴. کثرت گرایی دینی: ۶ طراح آن جان هیک است و فتوا به حقانیت، صدق و نجات همه متدینان ادیان متعدد می دهد.

نقد و بررسی

فرصت این مقال اجازه بررسی تک تک این چهار رهیافت را به ما نمی دهد و نگارنده صرفاً به بیان اجمالی گزارش نقدهای وارد به پلورالیسم دینی از دو منظر درون دینی و برون دینی می پردازد.

۱. برای بررسی پلورالیسم باید سه مقام بررسی ادیان را از یکدیگر تفکیک کرد:

- الف | مقام صدق: آیا همه ادیان و مذاهب متعدد برحق هستند؟
- ب | مقام نجات (فرجام شناختی): آیا پیروان دیگر ادیان هم نجات می یابند یا فقط پیروان یک دین نجات می یابند؟
- ج | مقام اخلاق زندگی مسالمت آمیز: با پیروان ادیان متعدد چه رفتاری داشته باشیم؟

تفکیک این سه مقام، در بررسی پلورالیسم حائز اهمیت است. جان هیک در مقام صدق، مدعی است که همه ادیان، حق و ناجی هستند. به نظر می‌رسد که جان هیک تحت تأثیر کانت در تفکیک نومن و فنومن بوده است و لذا برای زندگی مسالمت‌آمیز میان پیروان ادیان، با نقد انحصارگرایی و شمول‌گرایی مسیحیت، بر مبنای نومن و فنومن کانت (عدم دسترسی به واقع و حقیقت و دسترسی به پدیدارها)، به برحق بودن تمام ادیان و ناجی بودن آنها تأکید می‌ورزد.^۷

همان‌طور که در بالا گزارش شد، عامل اصلی که جان هیک را برآن داشت تا به طراحی ایده پلورالیسم بپردازد، زندگی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان با یکدیگر بود؛ ایده‌ای که در غرب مسیحی و مدرن دیده نمی‌شد و نظریه‌ای که برخاسته از فضای فرهنگی و اجتماعی ابتدای قرن بیستم و وجود جنگ‌های جهانی اول و دوم و نیز برخوردهای غرب مسیحی با یهودیان و مسلمان بود. این در حالی است که در شرق جهان و نیز خاصاً در جهان اسلام، موضوع تعدد ادیان علی‌رغم تأکید بر حقانیت اسلام، هیچ زمانی تهدید و عامل قتل و خون‌ریزی نبود. چنان‌که در بالا آمد، حتی یهودیان در جهان اسلام، فضای آزادانه‌تری نسبت به فضای مسیحی داشتند و حتی در جنگ‌های صلیبی نیز هیچ‌گاه خون غیرمسلمانان مباح دانسته نشد، کلیسا و کنیسه‌ها تخریب نشدند، با مدارا با آنان برخورد شد و ضمن دادن جزیه، به زندگی مسالمت‌آمیز خود ادامه دادند.

مسئله فرجام‌شناختی

اما اینکه بالاخره با موضوع فرجام و نجات و سعادت پیروان سایر ادیان چگونه باید برخورد کرد، موضوعی‌ای است که نخبگان گذشته ما با آن درگیر بوده‌اند و در کتب کلامی ما تا حدودی به آن اشاره شده است؛ اینکه آیا پیروان سایر ادیان، همه خارج از نجات و سعادت‌اند یا اینکه نحوه دیگری است؟

بحث فرجام‌شناختی با مسئله گزاره‌های اعتقادی گره خورده است که نگارنده گزارشی اندک برای درک مسئله ارائه می‌دهد. از جهات مختلف می‌توان ادیان را مورد ارزشیابی قرار داد، اما دو امر در همه ادیان مشترک است: داشتن مناسک و داشتن اصول اعتقادی و اخلاقی.

ما در این مقال، به مناسک نمی‌پردازیم و فرصت بحث را جای دیگری قرار می‌دهیم. آنچه مسئله این نوشته است، بحث اصول اعتقادی و اخلاقی است. برای دقت در موضوع، باید دو مقام را از هم تفکیک کرد:

الف | آیا همه اعتقادات همه ادیان صحیح است؟

ب | آیا اعتقادات همه ادیان صحیح است؟

برای پاسخ به این سؤال، باید اصول اعتقادی و اخلاقی را از لحاظ دستیابی عقل بشری تفکیک کرد:

الف | اصول اعتقادی پایه و مشترک: همانند قبیح بودن ظلم، قتل، دزدی، زنا و... و حُسن بود عدالت و کمک به یتیم و... که تقریباً اموری هستند که عقل انسان به‌تنهایی توانایی کشف و اراده بر انجام آن را دارد.

ب | اصول اعتقادی و اخلاقی اختصاصی که بیان جزئیات و نیز اختصاصی هر دینی است.

پس از این تفکیک در این اصول اعتقادی (پایه و اختصاصی)، می‌توان گفت هرکسی حتی اگر هیچ دینی به او نرسیده باشد، باید به آن امور پایه عمل کند و هیچ دینی نیست که بر عدم آن امور دستور داشته باشد. لذا اگر فردی به آن امور پایه اعتقاد داشته باشد و عمل کند، به همان اندازه مأجور و سعادت‌مند خواهد بود.

آیات متعددی هم در قرآن بر این امر صحه می‌گذارد؛ چراکه وجدان بشریت را خطاب قرار داده است:

۱. أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ. ۸. أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ۹

۲. هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ۱۰

۳. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۱۱

۴. قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ ۱۲

۵. يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ ۱۳

۶. وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ ۱۴

آیه اول استفهام انکاری است و سؤال می‌کند که آیا ما صالحان و مفسدان را در یک ردیف قرار می‌دهیم؟! هرگز، چراکه با مقام عدل و حکمت خداوند مناسب نیست؛ ۱۵ یعنی هرکس که فعل خیر انجام دهد، مأجور خواهد بود. در آیه دوم نیز همین سیاق به‌طور روشن‌تری به کار رفته است. ۱۶

در آیه سوم، چهارم و پنجم، خداوند پیامبر را به اعمال شایسته و مطابق عدل امر کرده و از کارهای ناپسند و ظلم و تعدی بر

دیگران نهی کرده است. از ظاهر آیات این گونه فهمیده می شود که همان معنایی که افراد بشر از عدالت و ظلم می فهمند و همان کارهایی که نزد همگان معروف یا منکر به شمار می رود، مورد امر و نهی الهی هستند. ۱۷

مدلول آیه شریفه آخر این است که مشرکان کارهایی ناشایست را مرتکب می شدند؛ یعنی پیش وجدان و عقل و فطرت خویش به ناپسندی آن ها اعتراف داشتند. ۱۸

مطابق استنادات بالا، در اصول اعتقادی و اخلاقی پایه مشترکی وجود دارد که مخاطب آن، فطرت انسانی است و اگر انسان به آن ها عمل کند، فارغ از اینکه پیرو چه دین و مذهبی است، مأجور و سعادت مند خواهد بود. لذا تا اینجا در مقابل نظریه پلورالیسم صدق و نجات، که قائل به صدق همه گزاره های ادیان و نجات بخشی آن ها است، بیان کردیم که برخی اصول پایه مشترک و بدیهی وجود دارد که عقل سلیم آن ها را می یابد و عمل به آن ها است که نجات بخش است و نه همه گزاره های اعتقادی و اخلاقی.

اما در مورد گزاره های اعتقادی اختصاصی ادیان، با دو نحوه برخورد مواجه هستیم: برخورد با ادیان ابراهیمی و برخورد با ادیان غیرابراهیمی.

در مواجهه با ادیان غیرابراهیمی، با توجه به اینکه گاه برخی آموزه های شان با اصل محوری دین داری، یعنی اعتقاد ذات اقدس الهی و ربوبیت در تعارض هستند، اگر فرد جاهل مقصر باشد و نه جاهل قاصر، فقط همان اصول اعتقادی پایه نجات بخش اوست، وگرنه حتی بسیاری از مناسک و اعتقادات منجر به عدم آسایش دنیوی می شود، چه رسد به فرجام شناختی. دقت شود که برخی از ادیان غیرابراهیمی حتی قائل به معاد و سعادت اخروی نیستند.

در مواجهه با ادیان ابراهیمی نیز دو نوع برخورد وجود دارد:

الف) ادیان ابراهیمی عصر نزول و ب) ادیان ابراهیمی عصر حاضر (پس از ظهور اسلام).

ادیان ابراهیمی عصر نزول یعنی یهودیت عصر حضرت موسی (ع) تا قبل از ظهور حضرت عیسی (ع) و نیز مسیحیت زمان عصر حضرت عیسی (ع) تا قبل از رسول اعظم (ص). پیروان آنان علاوه با اعتقادات پایه، با اعتقادات اختصاصی هم فرجامی سعید داشتند. بنابراین همه ی ادیان در عصر خود حق بوده اند و نیز شریعت و منهاج هریک از انبیا در عصر خودشان حق بوده است. ۱۹

اما در مورد ادیان ابراهیمی در حال حاضر وضعیت دیگری است و پلورالیسم مدعی است که اسلام توحیدمحور با مسیحیت تثلیث محور هر دو در نجات بخشی یکسان هستند. مدعیان پلورالیسم دینی برای اثبات مدعای خود مبنی بر اینکه همه ادیان در عصر حاضر نجات بخش هستند، علاوه بر استناد به دلایل مختلف، به آیه ی «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالتَّصَرَّى وَ الصَّابِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» ۲۰ و نیز «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّابُونَ وَ التَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» ۲۱ استناد کرده اند و بیان داشته اند که شرط رستگاری بشر، نجات از عذاب قیامت و برخورداری از اجر و پاداش، سه چیز است: ایمان به خدا، ایمان به قیامت و عمل صالح. فلذا همه ی ادیان، هدایت کننده و نجات بخش هستند.

در حالی که اولاً استناد به یک آیه و نادیده گرفتن آیات دیگر، تحریف بیان قرآن و مغالطه است؛ چنان که نادیده گرفتن آیاتی نظیر «وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» ۲۲ و «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَا يَحْزَمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ» ۲۳ نتیجه ی چنان برداشتی است. فی الواقع با کنار هم قرار دادن آیات، متوجه می شویم که آیه در مقام بیان این اصل کلی است که نجات انسان در قیامت در گرو اعتقاد به اصول دین خاتم یعنی اسلام و عمل به احکام آن است؛ چرا که در آیه ۲۹ سوره ی توبه، خدا اهل کتاب را نکوهش می کند و می فرماید که با آن ها نبرد کنید تا به دین حق ایمان آورند یا جزیه پرداخت کنند و نیز در آیه ۸۵ آل عمران آمده است که اگر کسی غیر از اسلام را طلب و قبول کند، از او پذیرفته نیست. لذا کسی اهل نجات است که مسلمان باشد؛ یعنی به اصول سه گانه دین معتقد باشد و عمل صالح انجام دهد و بیان «عَمِلَ صَالِحًا» در آیه مورد بحث، دو مطلب را گزارش می دهد: ۱. اعتقاد به وحی و نبوت و ۲. عمل به آنچه پیامبر و حجت هر عصری آورده است، چون در فرهنگ قرآن، عمل صالح بر عملی منطبق می شود که مطابق با وحی و ره آورد حجت هر عصر باشد و زمانی انسان به وحی عمل می کند که آورنده ی وحی را به رسمیت بشناسد. پس آیه ی مذکور، اعتقاد به توحید و معاد را به صراحت و اعتقاد به نبوت را در ضمن بیان عمل صالح، ذکر کرده است. ۲۴

آیه دیگری که نشان دهنده عدم قبول پلورالیسم دینی از سوی قرآن است، آیه ی «فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمْ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» ۲۵ است. این آیه به صراحت تمام بیان می دارد که اگر کسانی مدعی باشند پس از ظهور اسلام، با عمل به همان شریعت های قبل از اسلام، نجات می یابند و اهل سعادت اند، ادعایی ناصحیح

است.

این نگاشته را با سخن علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر این آیه به پایان می‌برم: «آوردن کلمه مثل... به این منظور بوده که با آوردن آن، شاه‌رگ دشمنی و جدال را زده باشد، چون اگر می‌فرمود: آمنا بما آتانا به (ایمان آورید به همان دینی که ما بدان ایمان آوردیم)، ممکن بود در پاسخ بگویند: نه، ما تنها به آنچه بر خودمان نازل شده ایمان می‌آوریم و به غیر آن کافریم؛ همچنان که همین پاسخ را دادند.

ولی اگر به جای آن بفرمایید (که همین‌طور هم فرمود): ما به دینی ایمان آوردیم که مشتمل نیست جز بر حق و در آن غیر از حق چیزی نیست، پس شما هم به دینی مثل آن ایمان بیاورید که غیر از حق چیزی در آن نباشد، در این صورت، خصم دیگر بهانه‌ای ندارد که جدال کند و جز پذیرفتن چاره‌ای ندارد، چون آنچه خود او دارد، حق خالص نیست.» ۲۶

پی‌نوشت‌ها:

۱. گزارش دیدار استاد خسروپناه با جان هیک

۲. الهیات مسیحی، ص ۶۶۵.

۳. عقل و اعتقاد دینی، ص ۴۰۲.

۴. «فیض» در الهیات مسیحی متفاوت با الهیات اسلامی است. بر مبنای الهیات مسیحی، خاصاً با تقریر آگوستینی، انسان بعد از گناه اولیه بشر، دچار سقوط شد، اما پیامدهای گناه اولیه این است که اولاً به موجب این گناه، آدمی دچار سوءفهم و عدم توانایی درک راه صحیح شده است و ثانیاً این پیامد نسل به نسل انتقال می‌یابد. لذا انسان هیچ‌گاه اولاً نمی‌تواند راه صحیح را تشخیص بدهد و ثانیاً توانایی نجات خود را ندارد. بنابراین خداوند خود متجسد شد (عیسی) تا از طریق به صلیب رفتن، کفاره‌ی گناه انسان شود و این فیض الهی است که انسان نجات یابد (درآمدی بر الهیات تطبیقی، ص ۱۸۹ و الهیات مسیحی، ص ۶۸۴) و این فیض از طریق کلیسا و غسل تعمید انتقال می‌یابد. (الهیات تطبیقی، ص ۷۳۰)

۵. الهیات مسیحی، ص ۸۴۶.

۶. pluralism

۷. حائز اهمیت است که این دیدگاه تحت تأثیر دین‌پژوهی معاصر است که در دین با عینک تجربی به تحقیق و تفحص می‌پردازد. لذا دین مقوله‌ای فرهنگی است، نه مقوله‌ای الهی و وحیانی. پس ادیان مختلف، پاسخ‌های متفاوت و روش‌های متعدد و خاص برای دستیابی به یک واقعیت متعالی‌اند. واقعیت یگانه‌ی دینی در صور مختلف و به شکل تفسیرها و نظام‌های گوناگون در زبان بشری پدید می‌آید. آن واقعیت یگانه به شکل فرهنگ‌های گوناگونی درمی‌آید که از تجربه‌ی بشری ناشی می‌شوند. (پدیدارشناسی دین، ص ۲۹)

۸. ص، ۲۸: آیا مؤمنان و کسانی را که اعمال شایسته انجام می‌دهند، در ردیف مفسدان قرار می‌دهیم.

۹. القلم، ۳۵: آیا پرهیزگاران را در ردیف تبه‌کاران قرار می‌دهیم.

۱۰. الرحمن، ۶۰: آیا پاداش احسان و نیکوکاری چیزی جز نیکوکاری و احسان است.

۱۱. النحل، ۹۰: خداوند به عدل و احسان و پرداخت حقوق خویشاوندی فرمان می‌دهد و از اعمال زشت و ناروا و تعدی بر دیگران باز می‌دارد.

۱۲. الاعراف، ۳۳: بگو خداوند من از زشتی‌ها نهی کرده است.

۱۳. الاعراف، ۱۵۷: پیامبر خدا مردم را به کارهای پسندیده و معروف امر می‌کند و از کارهای ناپسند و منکر نهی می‌کند.

۱۴. الاعراف، ۲۸: هنگامی که کار ناشایست و عمل زشتی انجام می‌دهند، می‌گویند پدران ما این اعمال را انجام می‌داده‌اند و خداوند، ما را به آن‌ها امر کرده است. بگو خداوند به کارهای ناروا امر نمی‌کند.

۱۵. حُسن و قبح عقلی یا پایه‌های اخلاق جاودان، ص ۷۹.

۱۶. همان.

۱۷. همان.

۱۸. همان.

۱۹. دین‌شناسی، ص ۲۲۷.

۲۰. بقره، ۶۲.

۲۱. مائده، ۶۹.

۲۲. آل عمران، ۸۵.

۲۳. توبه، ۲۹.

۲۴. دین‌شناسی، ص ۲۲۴ و ۲۲۵ و کلام نوین اسلامی، ج ۱، ص ۴۱۰.

۲۵. بقره، ۱۳۷: پس اگر آن‌ها هم به آنچه شما بدان ایمان آورده‌اید، ایمان آوردند، مسلماً هدایت یافته‌اند و اگر روی گرداندند، جز این نیست که آن‌ها در مقام مخالفت و دشمنی هستند. پس به زودی خداوند شر آن‌ها را از تو دفع خواهد نمود و اوست شنوا و دانا.

۲۶. میزان، ج ۱، ص ۴۷۲.

منابع:

قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مشکینی.

کلام نوین اسلامی، ج ۱، استاد عبدالحسین خسروپناه، انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۱، قم.
مسائل جدید کلامی و فلسفه دین، استاد عبدالحسین خسروپناه، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۸۸، قم.
پدیدارشناسی، محمود خاتمی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۸، تهران.
دین‌شناسی، آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۸۵، قم.
حُسن و قبح عقلی یا پایه‌های اخلاق جاودان، آیت‌الله جعفر سبحانی، به کوشش علی ربانی گلپایگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۷۷، تهران.
درس‌نامه ادیان ابراهیمی، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، کتاب طه، ۱۳۸۶، قم.
درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، کتاب طه، چاپ دوم، ۱۳۸۵، قم.
درس‌نامه الهیات مسیحی، بخش دوم مفاهیم اصلی الهیات، آلیستر مک گراث، ترجمه محمدرضا بیات، وحید صفری و...، دانشگاه ادیان، ۱۳۹۲، قم.
عقل و اعتقاد دینی، مایل پترسون و دیگران، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۶، تهران.